

فرهنگ تعاریف قانونی

تألیف و نگارش: اوری:

دکتر صفر بگ زاده



کلک صبا

۱۳۹۱

سرشناسه	: بیگزاده، صفر، ۱۳۴۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: فرهنگ تعاریف قانونی / تألیف و گردآوری صفر بیگزاده.
مشخصات نشر	: تهران: کلک صبا، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۰۱۳ ص.
شابک	: ۹۷۸-۹۶۴-۹۵۱۵۸-۹-۲
وضعیت فهرست‌نویسی: فیا.	
موضوع	: حقوق - ایران - واژه‌نامه‌ها.
موضوع	: حقوق - ایران - اصطلاح‌ها و تعبیرها.
رده‌بندی کنگره	: ۱۳۸۹ ۴ ف ۹ ب / ۲۶ KMH
رده‌بندی دیوبی	: ۳۴۶ / ۵۵۰۳
شماره کتابشناسی ملی	: ۲۰۴۷۲۴۳



انتشارات کلک صبا

فرهنگ تعاریف قانونی
تألیف و گردآوری: دکتر صفر بیگزاده
حروفچینی و صفحه‌آرایی: حروفچینی هما (امید سیدکاظمی)
شمارگان: ۲۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول
تاریخ چاپ: ۱۳۹۱
بها: ۳۰۰۰۰ تومان

کلیه حقوق مادی و معنوی برای انتشارات کلک صبا محفوظ است.

پیشگفتار

۱. آنچه پیش رو دارد حاصل بیش از ده سال مطالعه مجموعه‌های قوانین سالانه و ادوار قانونگذاری ایران از آغاز سال ۱۳۹۰ است. علت طولانی شدن تدوین این مجموعه، ورای مشغولیت‌های خواسته و گاه ناخواسته، کثرت مجموعه‌های مورد بررسی و مطول بودن بسیاری از آن‌ها، به‌ویژه مجموعه‌های سال‌های اخیر و طاقت‌فرسا بودن مطالعه، فیش‌برداری، حروفچینی، غلط‌گیری، مرتب کردن عنوان‌ها و حذف موارد زاید و نهایتاً طبقه‌بندی اصطلاحات بوده است. شاید اگر این مطالعه به شکل گروهی صورت می‌گرفت زودتر به انجام می‌رسید؛ اما متأسفانه در ایران کار جمعی معمولاً به نتیجه مطلوب نمی‌رسد و کار فردی و تک‌نفره نیز چنان تحت اسعاع این پیش‌بینی نشده و دست و پاگیر قرار می‌گیرد که افزون بر طولانی شدن، هیچ‌گاه نتیجه‌اش با مقصود نخستین به‌طور کامل موافق نیست.

۲. دوستان دیگری نیز پیش از من در صدد تدوین چند مجموعه‌ای برآمده‌اند؛ اما به هر دلیل، از جمله ناآشنایی با روش علمی تدوین «فرهنگ»، در عین قبولی در حمایت فراوان، کاری کامل و علمی ارائه نداده‌اند. شاید اگر صرف چاپ کتاب مورد نظر بود، این مجموعه نیز سال‌ها پیش چاپ می‌شد؛ اما بهتر آن است که کاری درخور و پخته عرضه شود تا متنی ناپخته و سرسری؛ چه نگفتیم رجبری دامغانی: شعر ناگفتن به از شعری که گویی نادرست....

۳. فرهنگ حاضر برای پاسخگویی به نیازی مهم فراهم آمده است. دست بردن آنچه قانونگذار ایرانی از واژه‌هایی که در متن قوانین و مقررات به کار رفته در سر دارد، که گاه مبهم است، گاه نادرست و گاه سطحی. بسیار اتفاق افتاده که در هنگام بحث از یک موضوع قانونی، ناآگاهی از معنای بعضی از نظر و تعریف قانونگذار، آنان را به مجادلات طولانی کشانده و یا باعث شده، نظری مخالف با منظور قانونگذار اتخاذ کنند. همچنین گاه «قانونگذاران تالی» به واسطه ندانستن برخی تعاریف قانونی، توانسته‌اند پیروان خود «قانونگذاران عالی» باشند.

۴. از موارد اعتبار و اهمیت این فرهنگ، جایی است که در برخی از قوانین گفته می‌شود: «این قانون، تابع تعریف قانونی است»؛ مانند آنچه در بند «ط» «قانون نحوه هزینه کردن اعتباراتی که به موجب قانون از رعایت قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات عمومی دولت مستثنا هستند» (ماده واحده) (مجموعه قوانین ۱۳۶۴، ص ۶۰۶)، مقرر شده که می‌گوید: «تعریف اصطلاحاتی که در این قانون به کار رفته است، تابع تعاریف مندرج در قوانین و مقررات مربوط است». همچنین است آنچه در تبصره ۱ ماده ۱ «ضوابط اجرایی

اراضی شیدار»، مصوب ۱۳۸۷/۳/۲۶ هیأت وزیران آمده و مقرر می‌دارد: «سایر اصطلاحات مرتبط با این آیین‌نامه، تابع تعاریف مندرج در قوانین و مقررات مربوط است». آشکار است که در چنین مواردی، دانستن تعریف پیشین قانونگذار، جایی برای قیل و قال‌های نادرست و سلم و لانسلم‌های بی‌مورد باقی نمی‌گذارد و کار را آسان می‌کند.

۵. تفاوت محتویات این فرهنگ با آنچه در فرهنگ‌ها و ترمینولوژی‌های حقوقی و غیر حقوقی فراهم آمده، عمدتاً این است که تعاریف ارائه‌شده، ساخته و پرداخته مؤلف نیستند، بلکه از زبان قانونگذار گرفته شده‌اند و از همین رو، قابل استناد بوده، لازم‌الاجرایند و تخطی از حدود مقرر در آن‌ها و بی‌اعتنایی به نشان‌گاه مایه بی‌اعتباری اقدامات و تصمیمات مربوط خواهد شد؛ زیرا تعریف قانونی نیز همانند قانون، ایجاد حق و تکلیف می‌کند و دارای ضمانت اجرا است و الا ذکرش در بین متون قانونی، لغو و بیهوده است. افزون بر این، گاه تعریفی که قانونگذار از یک یا چند واژه در آغاز قانون ارائه می‌دهد می‌تواند در فهم «روح قانون» به کار بیاید و در تفسیر و تبیین مواد دیگر قانون کارساز باشد.

۶. در مجموعه‌های قوانین، تعاریف قانونی، گاه در خلال مواد و تبصره‌ها ذکر شده‌اند و گاه - به‌ویژه در سال‌های اخیر - در ذیل عنوان «تعاریف» که حالت اخیر به‌ویژه در آیین‌نامه‌های مصوب هیأت وزیران بیش‌تر دیده می‌شود، درجند. در این گونه آیین‌نامه‌ها نیز متأسفانه تمام تعاریف مربوط در بخش «تعاریف» نیامده‌اند، بلکه برخی تعاریف در خلال مواد دیگر ذکر شده‌اند. از این رو، نمی‌توان صرفاً با مراجعه به بخش «تعاریف» در یک مقرر، تمام تعاریف در آن را استخراج کرد، بلکه در هر حال باید تمام متن قانونی به‌دقت خوانده شود. البته امروزه، شاید به سبب رنگ باختن سنت‌های قانون‌نویسی کشورمان که غالباً برگرفته از قانونگذار فرانسوی است و همچنین کم‌رنگ شدن زبان فرانسوی در بین دانش‌آموختگان حقوق و از سویی رفت و آمد برخی از دانشجویان و اسناد حقوق به کشورهای انگلیسی‌زبان و غلبه زبان انگلیسی بر زبان فرانسوی در دانشکده‌های حقوق، آشنایی با نحوه قانون‌نویسی در انگلستان و امریکا بیش‌تر شده و نتیجه آن است که به پیروی از سنت که من‌لایع در نگارش قانون که «بخش» (section) آغازین قانون را به «تعاریف» اختصاص می‌دهند، در قوانین اخیر مصوب مجلس نیز همچون مصوبات قوه مجریه، ماده‌ای زیر عنوان «تعاریف» پیش‌بینی می‌شود که گاه همان‌طور مربوط به مصوبات قوه مجریه نیز بر آن وارد است. برای دیدن این ایراد، از باب نمونه می‌توان به «قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان» (مصوب ۱۳۸۸/۷/۱۵) و «قانون حمایت از حقوق مصرف‌کنندگان خودرو» (۱۳۸۶/۷/۲۳) و آیین‌نامه‌های اجرایی آن‌ها (به ترتیب مصوب ۱۳۹۰/۷/۱۷ و ۱۳۸۸/۸/۱) مراجعه کرد.

۷. شاید بعضی تعاریف این مجموعه به دلیل تغییر قوانین پس از انقلاب، موضوعیت نداشته و این خود را از دست داده باشند، اما به هر حال، جزء تعاریف قانونی در سابقه قانونگذاری ایران به شمار می‌روند. مانند آنچه در ماده ۴ قانون دفتر اسناد رسمی، مصوب ۱۳۱۶/۳/۱۵ (مجموعه قوانین ۱۳۱۶، ص ۹) آمده و دفترخانه‌های اسناد رسمی را از لحاظ صلاحیت به سه نوع دفترخانه درجه اول، دوم و سوم تقسیم کرده است.

۸. نگاهی به تعاریف موجود در این فرهنگ نشان می‌دهد که قانونگذار ایرانی در ارائه تعاریف قانونی، از لزوم «جامع بودن» و «مانع بودن» تعریف در موارد بسیاری فاصله گرفته و حتی در برخی موارد، تعاریف

نادرست و غیر ضروری از یک واژه ارائه کرده و گاه تعریف قانونی او از اقسام «تعریف دوری» است که نه تنها گره‌گشا نیست، بلکه گره‌آفرینی می‌کند.

۹. با توجه به تعاریفی که در این مجموعه دیده می‌شود، به نظر، سنخ تعریف‌هایی که قانونگذار در یک دوره زمانی ارائه می‌دهد می‌تواند بیانگر دغدغه‌های او در آن برهه زمانی باشد؛ چنان‌که تعاریف سال‌های ۱۳۵۷ با تعاریف سال‌های قبل و بعدش به‌روشنی متفاوتند. همچنین دقت در اصطلاحاتی که دارای چندین تعریف در سال‌های مختلف هستند می‌تواند توسعه یا تضییق معانی واژه‌ها را در نزد قانونگذار در سال‌ها و دوره‌های مختلف قانونگذاری نشان داده، روشن کند که نگاه قانونگذار در قانونگذاری چگونه بوده و چه تغییری یافته است.

۱۰. ران‌جا که این فرهنگ، حسب تعریف رایج، «تخصصی» نیست و مشتمل بر همه تعاریفی است که قانونگذار به معنای اعم از یک اصطلاح ارائه داده، نمی‌توان آن را مشخصاً به حوزه‌ای خاص منسوب کرد؛ هرچند که به هر حال با صاحب حقوق پرکاربردتر است.

تعریف قانونی و ویژگی‌های آن

۱۱. «تعریف قانونی» عبارت است از: تعریفی که قانونگذار در معنای عام خود در هریک از متون قانونی به مفهوم عام کلمه از یک واژه یا عبارت به دست می‌دهد.

۱۲. در تعریف قانون گفته شده: «... همهٔ مقررات لازم‌الاجرائی است که در یک زمان و مکان معین دارای ضمانت اجرا است»^۱.

۱۳. منظور از «قانونگذار» در این فرهنگ که تعاریف او بر زیر عنوان «تعاریف قانونی» ذکر گردیده، همه اشخاص حقیقی (حتی نماینده ویژه رئیس‌جمهور) یا حقوقی (از مجلس گرفته تا هیأت وزیران) هستند که به رغم کثرتشان در نظام قانونگذاری ایران، بر طبق قانون، حق قانونگذاری دارند و بدین ترتیب، هرچه این قانونگذاران وضع می‌کنند، «قانون» به معنای عام کلمه است؛ و اما «قانون» داشته باشد، خواه نام «آیین‌نامه» و خواه نامی دیگر. اما نکته‌ای که قانونگذار در هر مرتبه‌ای باید به آن توجه کند این است که وضع قانون، آخرین اقدام قانونگذار است، نه نخستین آن؛ زیرا منابع دیگر حقوق (عرف، رویه قضایی و نظریه دانشمندان حقوق) نیز واجد اعتبارند و این گمان قانونگذار که هر امر را که از نگاه او اهمیت دارد باید در قالب «قانون» گنجانند، نادرست و غیر حقوقی است و به کم‌ارزش شدن منابع حقوقی منتهی خواهد انجامید. تغییر این نگاه به قانونگذار کمک می‌کند که از سویی، برخی از مقاصدش را از مرتبه دیگر منابع حقوق تضمین کند و از سوی دیگر، او را یاری می‌رساند تا قواعد حقوقی را فقط در قالب «قانون» ننهد، بلکه از سایر قالب‌های قانونی نیز استفاده کند که حاصل این دو امر، آن است که قانونگذار حالی کمی فراغت یافته، زمان بیش‌تری را صرف نظارت بر نحوه اجرای قوانین مصوب خواهد کرد که دست‌آوردش به لحاظ حقوقی، کم‌تر از قانونگذاری نیست.

۱۴. از نظر حقوقی، «قانونگذار» از آغاز تشکیل مجلس تاکنون، یک شخصیت واحد محسوب می‌شود و

۱. ابوالحمد، عبدالحمد، حقوق اداری ایران، ج ۸، ۱۳۸۸، تهران، توس، ص ۶۹۴.

تغییر دوره‌های قانونگذاری و تغییر غایندگان موجب چندگانگی شخصیت قانونگذار نمی‌شود و از این رو، همه دوره‌های قانونگذاری در طول یکدیگرند، نه در عرض هم.

۱۵. به طور کلی از آن‌جا که «آیین‌نامه» و دیگر قالب‌های قانونی که توسط نهادهایی جز مجلس تصویب می‌شوند، برخلاف «قانون»، غالباً ناظر بر یک امر خاص و اجرایی هستند، معمولاً تعاریف مندرج در آن‌ها، جامعیت و عمومیت یک تعریف قانونی را ندارند و به تعبیری «تعریف موردی» هستند.

۱۶. گاه آنچه قانونگذار به معنای اعم درباره تعریف یک اصطلاح گفته به واقع «تعریف» نیست؛ مانند تعاریف «مکتب و مدرسه» در ماده ۱ «قانون اساسی معارف»، مصوب دهم ذیقعدة ۱۳۲۹ قمری (مجموعه تصویبات ادوار اول و دوم قانونگذاری مجلس شورای ملی، ص ۳۴۵) که مقرر می‌دارد: «مکتب و مدرسه عبارت است از تأسیساتی که برای تربیت اخلاقی و علمی و بدنی ابنای نوع دایر می‌گردد». از این رو، حتی از میان آنچه در متن قانونی و توسط قانونگذار در زیر عنوان «تعاریف» آمده، فقط مواردی که به واقع تعریف قانونی بوده، در این فرهنگ آمده و سایر موارد حذف شده است؛ مانند تعاریف مذکور در ماده ۱ تا ۲۳ «آیین‌نامه شرکت تولید مواد اولیه و سوخت هسته‌ای ایران»، مصوب ۱۳۸۴/۵/۵ (مجموعه قوانین ۱۳۸۴، ج ۱، بخش «آیین‌نامه‌ها»، ص ۷۰۷-۷۰۵) که فقط تعاریف مندرج در ماده ۵، ۹، ۱۳، ۱۶، ۱۸ و ۲۳ آن به ترتیب راجع به دارایی‌های سرمایه‌ای، دارایی‌های تولیدنشده، اعتبارات، تأمین اعتبار، تسجیل و تنخواه‌گران مسابا و ... ذکر شده است.

۱۷. شاید بتوان گفت معادلی که قانونگذار در برابر یک واژه خارجی به کار برده نیز به نوعی تعریف قانونی است. فارغ از این که این روش قانونگذار به قانون را در برخی موارد از شدت زیاده‌روی به لغتنامه دوزبانه شبیه می‌کند نادرست است، به رغم آنکه این بر نهاده‌ها تماماً جمع‌آوری شدند، در نهایت از ذکر آن‌ها در این مجموعه خودداری شد؛ از جمله به این دلیل اصلی که معنایی که قانونگذار برای یک واژه فرهنگی به کار برده برای هیچ‌یک از اهل زبان الزامی و پیروشی از برابرنهاده قانونگذار ایجاد نمی‌کند و در واقع، این برابرنهاده‌ها ضمانت اجرایی ندارند.

۱۸. درباره نحوه ارائه تعریف از سوی قانونگذار با توجه به آنچه در نظام قانونگذاری ایران دیده می‌شود، به چند طریق عمل شده است: (۱) گاه فقط ذکر مصادیق است، نه بیان تعریف؛ مانند آنچه در ماده ۱۰ قانون اجازه ارجاع اختلاف فی‌مابین شرکت تراکتورسازی ایران و شرکت انرژی موش به داوری، مصوب ۱۳۶۲/۸/۲۲ (مجموعه قوانین ۱۳۶۲، ص ۴۲۵) در بیان تعریف «فورس ماژور» چشم‌پوشی خورد و مقرر می‌دارد: «ماده ۱۰: فورس ماژور عبارت است از جنگ، زلزله، سیل، اعتصابات و سایر وقایع که خارج از کنترل انسان باشد»؛ (۲) گاه بیان کارکرد یک دستگاه و توضیح نامگذاری آن است؛ مانند مفاد اصل ۱۷۲ قانون اساسی که درباره علت تشکیل و نامگذاری دیوان عدالت اداری می‌گوید: «به منظور رسیدگی به شکایات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آن‌ها، دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیر نظر رئیس قوه قضاییه تأسیس می‌گردد...»؛ و (۳) گاه بدون ذکر تعریف، گفته شده که فلان موضوع «در حکم» موضوعی دیگر است؛ مانند مفاد ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات)، مصوب ۱۳۶۲/۵/۱۸ (مجموعه قوانین ۱۳۶۲، ص ۳۷۰) که بدون ارائه تعریفی از

«محارب» فقط می‌گوید: «هرکس مردم را به قصد برهم زدن امنیت، به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا یا ترغیب کند که موجب قتل ولو در بعضی از نواحی گردد یا باعث نهب و غارت گردد، در حکم محارب است».

شرایط تعریف قانونی

۱۹. در تعاریفی که قانونگذار در متون قانونی ارائه می‌دهد، باید شرایطی رعایت شوند که برخی همان شرایط منطقی هر تعریف و برخی دیگر، شرایطی هستند که تعریف قانونی باید دارا باشد. شرایط دسته دوم، بر شرایط منطقی تعریف برتری دارند و به لحاظ زمانی مقدمند؛ زیرا تا لزوم ارائه تعریف در نزد قانونگذار احراز نشود، تعریف ارائه نمی‌گردد که در موردش رعایت جامع بودن و مانع بودن و غیره مطرح شود.

۲۰. تعریف باید «جامع» و به تعبیر دیگر «جامع افراد» باشد؛ به این معنا که همه «افراد» مشمول خود را در بر بگیرد. با این حال، در میان تعاریف قانونی، مواردی که چنین نیستند فراوانند؛ چنان‌که برای نمونه تعریف «مسابقات ورزشی» در تبصره ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۱۷۰ قانون برنامه سوم توسعه، مصوب ۱۳۷۹/۹/۱۶ (مجموعه قوانین ۱۳۷۹، ج ۲، ص ۱۳۷۲) که مقرر می‌دارد: «منظور از مسابقات ورزشی، مسابقاتی است که توسط یا هم‌کاری و هماهنگی سازمان تربیت بدنی و یا واحدهای تابعه استانی (ادارات کل تربیت بدنی استان) انجام می‌شود»، جامع نیست.

۲۱. تعریف باید «مانع» باشد؛ به این نحو که «مانع اغیار» باشد و افراد غیر را شامل نشود. با آن‌که اصولاً تعریف باید «مانع» باشد گاه در متون قانونی با تعاریفی مواجه می‌شویم که نمونه تعریف غیر مانع هستند. این امر نشان می‌دهد قانونگذار، چنان‌که به روابط ضوابط منطقی در ارائه تعاریف خود پایبندی ندارد؛ مانند تعریف «ایرانگردی و جهانگردی» در قانون توسعه صنعت ایرانگردی و جهانگردی، مصوب ۱۳۷۰/۷/۷ که حسب آن: «منظور از ایرانگردی و جهانگردی عبارت است از هر نوع مسافرت انفرادی و یا گروهی که بیش از ۲۴ ساعت بوده و به منظور کسب و کار نباشد».

۲۲. تعریف نباید «دوری» باشد. تعریف دوری، آن است که در تعریف یک واژه، به خود آن واژه رجوع شده باشد؛ مانند تعریف «وزارتخانه» در ماده ۲ قانون محاسبات عمومی (مجموعه قوانین ۱۳۶۶، ص ۴۸۲) که مقرر می‌دارد: «وزارتخانه واحد سازمانی مشخصی است که به موجب قانون یا دستورالعمل بناخته شده و یا بشود».

۲۳. تعریف باید «ضروری» باشد. در ارائه تعریف قانونی، تشخیص ضرورت یا عدم ضرورت ارائه تعریف بسیار مهم است و به ارائه یا عدم ارائه تعریف می‌انجامد. آیا قانونگذار در ارائه تعریف قانونی دستی باز دارد و می‌تواند هر واژه را تعریف کند؛ آن‌هم به هرگونه که می‌خواهد یا آن‌چون «حکیم» است دست کم هرگاه در مقام تعریف برمی‌آید باید متوجه باشد که آیا نیازی به ارائه تعریف هست یا نه؟ اگر واژه‌ای چنان در بین اهل عرف روشن است که تردیدی در معنا و حوزه معنایی آن وجود ندارد، به رافع نیازی به تعریف نیست، به‌ویژه در جایی که تعریف عرفی یا لغتنامه‌ای آن واژه بتواند مراد قانونگذار را به خوبی برساند. در چنین حالتی اقدام به تعریف، علاوه بر آن‌که با حکیم بودن قانونگذار مغایرت دارد، نشان می‌دهد که او از اهالی عرف نبوده، با اصل ایجاز در متون قانونی نیز آشنا نیست یا خود را ملزم به رعایت اصول حقوقی نمی‌داند. اما اگر معنای عرفی و لغتنامه‌ای نتواند مراد قانونگذار را برآورده کند، قانونگذار مجاز به ارائه تعریف است؛ چنان‌که برای مثال به رغم هم‌معنا بودن «زارع» و «کشاورز» در محاورات عامه،

یا مشخص بودن معنای لغتنامه‌ای این دو واژه، قانونگذار در ماده ۱ قانون اصلاحات ارضی، مصوب ۱۳۳۹/۲/۲۶ (مجموعه قوانین ۱۳۳۹، ص ۵۶) بین این دو تفکیک قائل شده است و تعریفی نو از این دو ارائه کرده؛ زیرا تعاریف موجود از این دو واژه نمی‌توانسته‌اند مراد او را به‌خوبی افاده کنند. از این رو، در بند ۲ ماده ۱ مقرر شده: «کشاورز کسی است که خود مالک زمین بوده و شخصاً به کشاورزی اشتغال دارد و منبع اصلی درآمد او از راه کشاورزی تأمین شود» و در بند ۴ می‌گوید: «زارع کسی است که مالک زمین نیست و در زمین متعلق به دیگری کشاورزی می‌کند و مقداری از محصول را به صورت نقدی یا جنسی به مالک می‌دهد». از دیگر موارد وجود ضرورت، جایی است که قانونگذار به دلایلی درصدد تحدید یا توسعه معنای یک واژه است و از این رو دست به تعیین حدود واژه می‌زند؛ مانند آنچه در آیین‌نامه اجرایی نحوه واگذاری مجتمع‌های ساختمانی و شهرک‌هایی که به موجب قانون مذکور در اختیار دولت قرار می‌گیرند مصوب ۱۳۶۱/۶/۱۴ (مجموعه قوانین ۱۳۶۴، ص ۵۳۴) که در تعریف «ساختمان» مقرر شده: «از این پس در این آیین‌نامه، مجتمع‌های ساختمانی و شهرک‌های موضوع قانون علی‌الطلاق «ساختمان» نامیده می‌شود». البته اگر بین عام یا خاص، تعریفی شفاهی برای یک واژه وجود دارد، اخذ آن و تبدیلیش به تعریف قانونی بر هر اثری که دارد، نتیجه آن که در متون قانونی، ارائه تعریف قانونی تا حد ممکن باید کنار گذاشته شود، مگر آن که «ضرورت» اقتضا کند.

۲۴. هرگاه تعاریف متعددی برای یک اصطلاح وجود دارد که حوزه‌های معنایی متفاوتی دارند، قانونگذار برای ارائه تعریف خود، یا یکی از تعاریف موجود را برگزیده و بدین ترتیب به آن تعریف، اعتبار قانونی می‌دهد و یا هیچ‌یک از تعاریف را کامل ندانسته، تعریفی جدید ارائه دهد که گاه اساساً با تعاریف پیشین متفاوت است، گاه صورت تصحیح شده تعریفی قبلی و گاه شکل تلفیق شده تعاریف سابق است که در هر حال، این کار قانونگذار داخل در «وضع تعینی» است. در مواردی که قانونگذار می‌تواند نظر این قانون» یا «در این قانون»، در حقیقت قصد دارد که معنای خودش از کلمه‌ای را بیان کند که ممکن است با معنای معمول و لغتنامه‌ای آن واژه متفاوت باشد و متضمن تحدید یا توسعه معانی مذکور باشد؛ مانند تعریف «گاز» (مجموعه قوانین ۱۳۳۶، ص ۱۲۸، لایحه قانونی مربوط به تفحص و اکتشاف و استخراج نفت در سراسر کشور، مصوب ۱۳۳۶/۵/۷، ماده اول، تبصره ۱) به این شرح: «منظور از کلمه «نفت» در این قانون عبارت است از مشتقات خالص گاز طبیعی، آسفالت و کلیه هیدروکربورهای مایع، اعم از این که به حالت طبیعی یافت شود و یا به وسیله عملیات تصفیه از نفت خام و گاز طبیعی جدا شود و نیز هر فراورده مهبای استفاده یا نیمه‌تمامی که از مواد مزبور به وسیله تبدیلی که به مایع یا تصفیه یا عمل شیمیایی یا هرگونه طریقه دیگری اعم از آنچه اکنون معمول است و آنچه در آینده معمول شود به دست آید».

۲۵. تعریف باید «درست» باشد. برخی تعاریف «نادرست» و غیر واقعی هستند؛ مانند تعریف «سند سجلی» در ذیل بند ۱ «بقیه نظامنامه اداره کل احصایه»، مصوب ۱۳۱۴/۶/۱۲ هیأت وزرا (مجموعه قوانین ۱۳۱۴، ص ۱۱۰) که می‌گوید: «سند سجلی عبارت از مضمون ثبت یک واقعه در دفاتر ثبت احوال است» یا تعریف «کودک خیابانی» در «آیین‌نامه ساماندهی کودکان خیابانی، مصوب ۱۳۸۴/۴/۲۶ هیأت وزیران» (مجموعه قوانین ۱۳۸۴، ص ۳۶۷) که مقرر می‌دارد: «فرد کم‌تر از ۱۸ سال تمام که به صورت محدود یا نامحدود در خیابان به سر می‌برد، اعم از کودکی که هنوز با خانواده خود تماس دارد و از سرپناه برخوردار است و یا کودکی که خیابان را خانه خود می‌داند و رابطه او با خانواده به حداقل رسیده و یا اساساً چنین ارتباطی وجود ندارد».

در واقع، علت نادرستی یا غیر واقعی بودن این تعاریف، عدم رعایت اصول منطقی در ارائه تعریف است و از این رو، اگر قانونگذار خود را پیرو شرایط منطقی تعریف بداند، شمار این گونه تعاریف کم خواهد شد.

روش این فرهنگ

۲۶. اصطلاحات موجود در این فرهنگ براساس حروف الفبا تدوین شده و در آن، حرف «آ» از «الف» تفکیک شده است. درخصوص حرف «همزه»، صورت‌های نوشتاری مختلف این حرف، مبنای جاگذاری اصطلاح حاوی «همزه» قرار گرفته؛ به این ترتیب که «ؤ» در جای «و» و «أ/إ» در جای «ا» آمده و «ئ» به «ی» تبدیل شده و در جای حرف «ی» آمده است.

۲۷. هرگاه یک اصطلاح در چند سال مختلف تعریف شده (مانند «نفقه»)، تعاریف براساس سال، از قدیم‌ترین تا جدیدترین مرتب شده و اگر در یک مجموعه قوانین، یک اصطلاح در دو جا تعریف شده (مانند «حق التیاز»)^۱، پس از آن که به لحاظ صفحه جلوتر بوده، اول آورده شده است. همچنین اگر یک مجموعه قوانین سالانه به قسمت «این»، «آن‌نامه‌ها»، «اساسنامه‌ها» و غیره تقسیم شده، هرگاه شماره صفحات هر قسمت از عدد یک آغاز شده باشد، تعاریف بخش «قوانین» بر تعاریف بخش «آیین‌نامه‌ها» مقدم آورده شده است.

۲۸. کوشش شده و سعی می‌شود، هم‌ترب به اژه‌های جمع مکسر عربی ارجاع شوند، مگر در مواردی که ضرورتی مقتضی ارجاع به اصل است (مانند ارجاع «مجمع» به «مجامع»)^۲؛ اما در سایر موارد با بودن صورت جمع اصطلاح، صورت مفرد آن مورد اشاره قرار گرفته؛ مانند «تعاونی‌ها» که صورت «تعاونی» مورد ارجاع نیست.

۲۹. بازه زمانی دوره‌های قانونگذاری که در دست‌نرخ از تعاریف مورد اشاره قرار گرفته به این شرح است:

— دوره اول قانونگذاری: از ۱۷ شهریور ۱۳۱۱ قمری مطابق با ۱۲ میزان ۱۲۸۵ تا ۲۳ جمادی الاولی ۱۳۲۶ مطابق با ۲ سرطان ۱۲۸۷.

— دوره دوم قانونگذاری: از ۲ ذیقعد ۱۳۲۷ قمری مطابق با ۲۳ عقرب ۱۲۸۸ تا ۳ محرم ۱۳۳۰ مطابق با ۱۲۹۰/۱۰/۳ شمسی.

— دوره سوم قانونگذاری: از ۱۷ محرم ۱۳۳۳ قمری مطابق با ۱۲ فرس ۱۲۹۳ شمسی تا ۲۵ ذیحجه ۱۳۳۳ قمری مطابق با ۱۱ عقرب ۱۲۹۴ شمسی.

— دوره چهارم قانونگذاری: از ۱۵ شوال ۱۳۳۹ قمری مطابق با ۱۲/۴/۱۳۰۰ شمسی تا ۷ ذیقعد ۱۳۴۱ قمری مطابق با ۳۰/۲/۱۳۰۲ شمسی.

— دوره پنجم قانونگذاری: از ۲۲ دلو ۱۳۰۲ شمسی تا ۲۱ بهمن ۱۳۰۴ شمسی.

— دوره ششم قانونگذاری: از ۱۳۰۵/۴/۲۷ تا ۱۳۰۷/۵/۲۱.

— دور هفتم قانونگذاری: از ۱۳۰۷/۷/۱۴ تا ۱۳۰۹/۸/۱۴.

— دوره هشتم قانونگذاری: از ۱۳۰۹/۱۰/۲۵ تا ۱۳۱۱/۱۰/۲۵.

۱. به موجب «قانون تبدیل بروج به ماء‌های فارسی از نوروز ۱۳۰۴ شمسی» (مصوب شب ۱۱/۱/۱۳۰۴ شمسی) از سال ۱۳۰۴ به بعد، نام برج‌ها در مقابل نام ماه‌ها ذکر نشده است (رک: مجموعه قوانین دوره پنجم قانونگذاری، ص ۲۲۵، ماده اول، بند «د» که در آن‌جا نام‌های کهنه و نو ذکر شده است). ماده دوم این قانون مقرر می‌دارد: «ترتیب سال ختا و ایغور که در تقویم‌های سابق معمول بوده از تاریخ تصویب این قانون، منسوخ خواهد بود».

— دوره نهم قانونگذاری: از ۱۳۱۱/۱۲/۲۴ تا ۱۳۱۴/۱/۲۴.

— دوره دهم قانونگذاری: از ۱۳۱۴/۳/۲۲ تا ۱۳۱۶/۳/۲۲. دوره‌های قانونگذاری مجلس شورای ملی جمعاً ۲۴ دوره است که دوره ۲۴ از ۱۳۵۴/۶/۱۷ آغاز شد و با آن که بایست در سال ۱۳۵۸ پایان می‌یافت در ۱۳۵۷/۱۱/۲۲ ناتمام ماند.

۳۰. نام و نشانی مجموعه قانونی که تعریف در آن ذکر شده به دلایل مختلف ذکر گردیده و یکی آن است که برخی قوانین در مجموعه سالانه مرتبط با خود نیامده‌اند؛ مثل «لایحه اصلاح قانون تجارت، مصوب ۱۳۴۷ که در مجموعه قوانین سال ۱۳۴۸ آمده است و این امر، جستجوی قانون را در مجموعه سالانه با مشکل مواجه می‌کند از این رو می‌توان گفت که مجموعه‌های سالانه واقعاً سالانه نیستند؛ چنان‌که در مجموعه سال ۱۳۴۳، قانون بودجه سال ۱۳۴۱ (ص ۳۳۷ به بعد) و قانون بودجه ۱۳۴۳ (ص ۲۳ به بعد) و قانون بودجه ۱۳۴۰ (ص ۲۹۰ به بعد) و قانون بودجه ۱۳۴۲ (ص ۳۶۶ به بعد) و قانون بودجه سال ۱۳۴۴ (ص ۴۱۳ به بعد) آمده است. این درباره تعاریف مندرج در قانون مدنی ایران با توجه به در دسترس بودن این قانون فقط به حد قانون مدنی و ماده مرتبط اشاره شده و نام مجموعه قوانین مربوط ذکر نشده است.

۳۱. گاه تعریفی در عنوان که تعریف قابل اتکا و موثق نیست، در این مجموعه آورده شده؛ از آن جهت که در نوع خود می‌تواند برای ارائه تعریف کامل و درست «راهگشا» بوده، توسط قانونگذار یا دیگران در آینده مفید باشد؛ و یا آن که در طول دوران قانونگذاری ایران منحصر به فرد است؛ مانند تعریف «وجوه اداره‌شده» در بند «الف» از ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی بند «ط» تبصره ۳ قانون بودجه سال ۱۳۸۱ کل کشور (مجموعه قوانین ۱۳۸۱، ص ۳۰۴) که مقرر می‌دارد: «وجوه اداره‌شده اعتباراتی است که طی قراردادهای منعقدشده با بانک‌های عامل در اختیار آن‌ها قرار می‌گیرد تا براساس ضوابط این آیین‌نامه و با نظارت دولت برای سرمایه‌گذاری در جهت اشتغال‌زایی و تحقق اهداف ملی برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (مصوب ۱۳۷۹) به صورت هیات در اختیار اشخاص حقیقی و حقوقی بخش‌های تعاونی و خصوصی قرار دهند...». همچنین است تعریف «دستگاه دولتی» در ماده ۷ آیین‌نامه استخدامی سازمان حسابرسی، مصوب ۱۳۶۷/۲/۱ (مجموعه قوانین ۱۳۶۷، ص ۳۰۶) که می‌گوید: «منظور از دستگاه دولتی در این آیین‌نامه کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و بانک‌ها می‌باشد». همچنین گاه با آن‌که تعریف کامل نیست، اما «مجموع تعاریف» ارائه‌شده از یک اصطلاح مستقلاً معنای منفحی از آن اصطلاح به دست بدهد؛ مانند تعاریف مربوط به اصطلاح «پیمانکار».

۳۲. برخی قوانین به رغم اهمیتشان در مجموعه‌های قوانین سالانه مربوط به خود ذکر نشده‌اند، بلکه در مجموعه قوانین «ادوار قانونگذاری» آمده‌اند؛ مانند قانون تجارت ۱۳۱۱ (در دوره هشتم قانونگذاری، ص ۳۳۴-۲۲۱) یا قانون دادرسی و کیفر ارتش (در دوره دوازدهم قانونگذاری، ص ۱۶۴-۷۰) که از این رو در ذکر نشانی این تعاریف به دوره قانونگذاری ارجاع شده، نه به مجموعه سالانه.

۳۳. در بیان تاریخ تصویب مربوط به هر مقررۀ مشتمل بر تعریف، فقط تاریخی که آن مقررۀ به تصویب «مجلس» رسیده ذکر شده؛ هرچند در هر حال، مصوبات مجلس به تصویب «شورای نگهبان» هم می‌رسد یا در موارد اختلاف، پای «مجمع تشخیص مصلحت» نیز به میان می‌آید.

۳۴. در هنگام ذکر نشانی یک تعریف، شماره مواد و تبصره‌های قانون به ترتیبی بیان شده که در خود قانون

یا مقرر به چشم می‌خورد. از این رو گاه گفته شده «ماده ۱» و زمانی به پیروی از متن قانون مربوط گفته شده «ماده اول».

۳۵. در ذکر تعاریف قانونی، مواردی به عنوان تعریف ذکر شده که قانونگذار آن را به عنوان یک اصطلاح تعریف کرده و تا حد ممکن از خلال عبارات یک مقرر، تعریف «استنباطی» ارائه نشده است. به این خاطر با آن که با توجه به قانون اصلاح موادی از قانون مدنی، مصوب ۱۳۶۱/۱۰/۸ کمیسیون امور قضایی مجلس (مجموعه قوانین ۱۳۶۱، ص ۱۶۶) امکان استنباط تعریف «عیوب موجب فسخ» از ماده ماده ۱۱۲۲ اصلاحی قانون مدنی وجود داشته، چنین تعریفی ارائه نشده و جزء «تعاریف قانونی» به شمار نیامده است یا از ماده ۱ قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا و اختلاس و کلاهبرداری، مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت (مجموعه قوانین ۱۳۶۷، ص ۷۲۱) تعریفی درباره «کلاهبرداری» استنباط نشده است. با این حال در چند مورد نادر به دلایل مختلف از این روش پیروی نشده است.

۳۶. مواردی که از یک عنوان، تعاریف متعدد و مختلفی ارائه شده، پس از نخستین باری که عنوان مربوط آورده شده، در آغاز تعاریف بعدی از علامت ~ استفاده شده که نشانه تکرار عنوان سابق است.

۳۷. در خلال یک تعریف قانونی، علامت کروشه [] در داخل متن به ۳ علت به کار رفته است: ۱) گاه برای افزودن یک یا چند واژه به متن قانون، علامت کروشه [] در داخل متن به ۳ علت به کار رفته است: ۱) گاه چاپی روزنامه رسمی و غیره در چاپ آن رو که در چاپ روزنامه رسمی از قلم افتاده و خواه از آن رو که در اصل مقرر قانونی نیز به واژه به چشم نمی‌خورد؛ ۲) گاه در داخل کروشه، واژه «کذا» نوشته شده تا نشان دهد که ایراد وارد بر متن قانون به همان شکل در متن روزنامه رسمی آمده و خطای تایپی و چاپی این کتاب نیست؛ ۳) گاه برای روشن شدن یک تعریف لازم بوده که متن یک چند ماده یا تبصره در ادامه یک تعریف برای خواننده ذکر شود که علامت [] نیز در داخل کروشه آورده شده‌اند.

۳۸. در مورد همه تعاریف، نشانی «کامل» تعریف قانونی به این دلیل ذکر شده که این فرهنگ مورد استفاده غیر حقوقدانان نیز قرار خواهد گرفت و آنان ممکن است نام کامل یک مقرر را ندانند و در ارجاعات ناقص دچار مشکل شوند.

۳۹. در این فرهنگ، رسم الخط چندگانه و متشتت روزنامه رسمی، جای خنثی را رسم الخط واحد و مختار گردآورنده داده و گردآورنده به لحاظ سجاوندی نیز خود را پیرو رورمه رسمی ندانسته است؛ اما متن هیچ یک از تعاریف به هیچ وجه ویرایش نشده و تعریف، همان است که در روزنامه رسمی چاپ شده است.

آنچه در این فرهنگ نیامده

۴۰. برخی تعاریف، سیاق فرهنگنامه‌ای نداشتند و از این جهت در این فرهنگ نیامدند. این تعاریف لایه اوزون، اثرات سوء، تکنولوژی یا تجهیزات جایگزین، و اجسام جایگزین که در بند ۱ تا ۴ متن کمیسیون وین برای حفاظت از لایه اوزون، که بر طبق قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون وین برای حفاظت از لایه اوزون، (مجموعه قوانین ۱۳۶۸، ص ۶۱۵) رسمیت یافته مشاهده می‌شوند و از جمله در مورد «اثرات سوء» مقرر می‌دارد: «اثرات سوء به معنای تغییرات در محیط فیزیکی یا «بیوتا»، از جمله تغییرات اقلیمی است که بر انسان یا بر ترکیب، قابلیت کسب مجدد نیرو و حاصلخیزی اکوسیستم‌های طبیعی یا مصنوعی و یا بر مواد مفید برای انسان اثرات زیان‌آور جدی دارد».

۴۱. تا حد ممکن کوشش شده اگر تعریف از سوی مقامی ارائه شده که به لحاظ حقوقی و قانونی نمی‌تواند داخل در تعریف «قانونگذار» به معنای عام باشد، در این فرهنگ نیاید؛ هرچند که در مجموعه قوانین سالانه مربوط ذکر شده باشد. مانند تعاریف مذکور در صفحه ۱۴۷۹ و ۱۴۸۰ از مجموعه قوانین سال ۱۳۸۰.

۴۲. تعاریف ارائه‌شده در مورد این که فلان سازمان یا مؤسسه یا نهاد (مانند «سازمان جنگل‌ها و مراتع» یا «سازمان بنادر و کشتیرانی» یا «طرح طوبی» یا «بنیاد مسکن» یا «جهاد دانشگاهی» عبارت است از ... در این مجموعه نیامده، زیرا تعریف نهادهایی از این دست داخل در تعریف واژه و اصطلاح نیست و هدف از تألیف این مجموعه، ارائه متونی بوده که در آن‌ها قانونگذار دست به ارائه «تعریف قانونی» زده است و الا هر تعریفی که قانونگذار می‌دهد ارزش قانونی ندارد. اما در مواردی که یا نهاد مزبور از اهمیت خاصی برخوردار بوده یا آن که می‌توانسته درخصوص برخی تعاریف راهگشا باشد، مانند «دیوان عدالت اداری»، تعریف مربوط به آن که در واقع «تعریف» نیست، بلکه «توضیح» به شمار می‌رود، ذکر گردیده است. همچنین است تعاریفی که قانونگذار در مورد تقسیمات کشوری به دست داده است؛ مانند تعریف مندرج در تبصره ۱ ماده ۱ لایحه قانونی تشکیل انجمن‌ها، ده و اصباح امور اجتماعی و عمران دهات، مصوب ۱۳۴۲/۶/۴ هیأت وزیران (مجموعه قوانین ۱۳۴۲، ص ۱۵۰) که عبارت از ده یا قریه از نظر این لایحه عبارت است از مرکز جمعیت و محل سکونت حداقل ۲۵۰ نفر (۵۰ خانوار) که آمار اکثریت افراد آن از طریق کشاورزی حاصل شود).

۴۳. از ذکر تعاریف «مردم» که فقط ناظر به موردی خاص هستند، پرهیز شده است.

۴۴. مواردی که فقط مصادیق است درج نشده، اما خود تعریف بیان نشده، در این فرهنگ نیامده؛ مانند آنچه در ماده چهارم «آیین‌نامه مربوط به ورود و صدور اموال فرهنگی» (مجموعه قوانین ۱۳۵۴، قسمت «آیین‌نامه‌ها»، ص ۱۵۸) دیده می‌شود که مورد «آثار فرهنگی» مقرر می‌دارد: «آثار فرهنگی اعم از ایرانی یا خارجی شامل اشیای زیر است...».

۴۵. برخی تعریف‌ها در واقع، «شرح الاسم» هستند و نه تعریف واقعی و از این رو آمدنشان در این فرهنگ لزومی نداشته است.

در پایان لازم می‌دانم از دوستان گرامی و بزرگواری که در تهیه این فرهنگ مرا یاری کرده‌اند سپاسگزاری کنم: آقای امید کفاش، وکیل محترم دادگستری که زحمات بی‌شمار سال‌های ۱۳۸۰ به بعد را با پشتکار و دقت پذیرفتند؛ آقای معصومی کتابدار محترم مرکز امور حقوقی المللی که بسیاری از مجموعه‌های نادر را در اختیار اینجانب قرار دادند؛ آقای امید سیدکاظمی که بدون هیچ حوصله‌ایشان در حروفچینی و صفحه‌آرایی، این فرهنگ هیچ‌گاه صورت و ترکیبی این چنین پیدا نمی‌کرد.

از همه عزیزانی که به این فرهنگ مراجعه می‌کنند درخواست می‌کنم هنگام آگاه‌ها از بعد ذکر یک تعریف قانونی و یا در صورت برخورد با هر کاستی دیگر، اینجانب را از راه شماره تلفن ۰۹۱۰۳۷۶۷-۱۹۵ یا نشانی اینترنتی s.sabaa@yahoo.com آگاه سازند. تلاش اینجانب این است که هر سه سال یک بار، نسخه به‌روزرشده‌ای از این فرهنگ را به مخاطبان آن ارائه کنم.